

علم أصول الفقه

٤

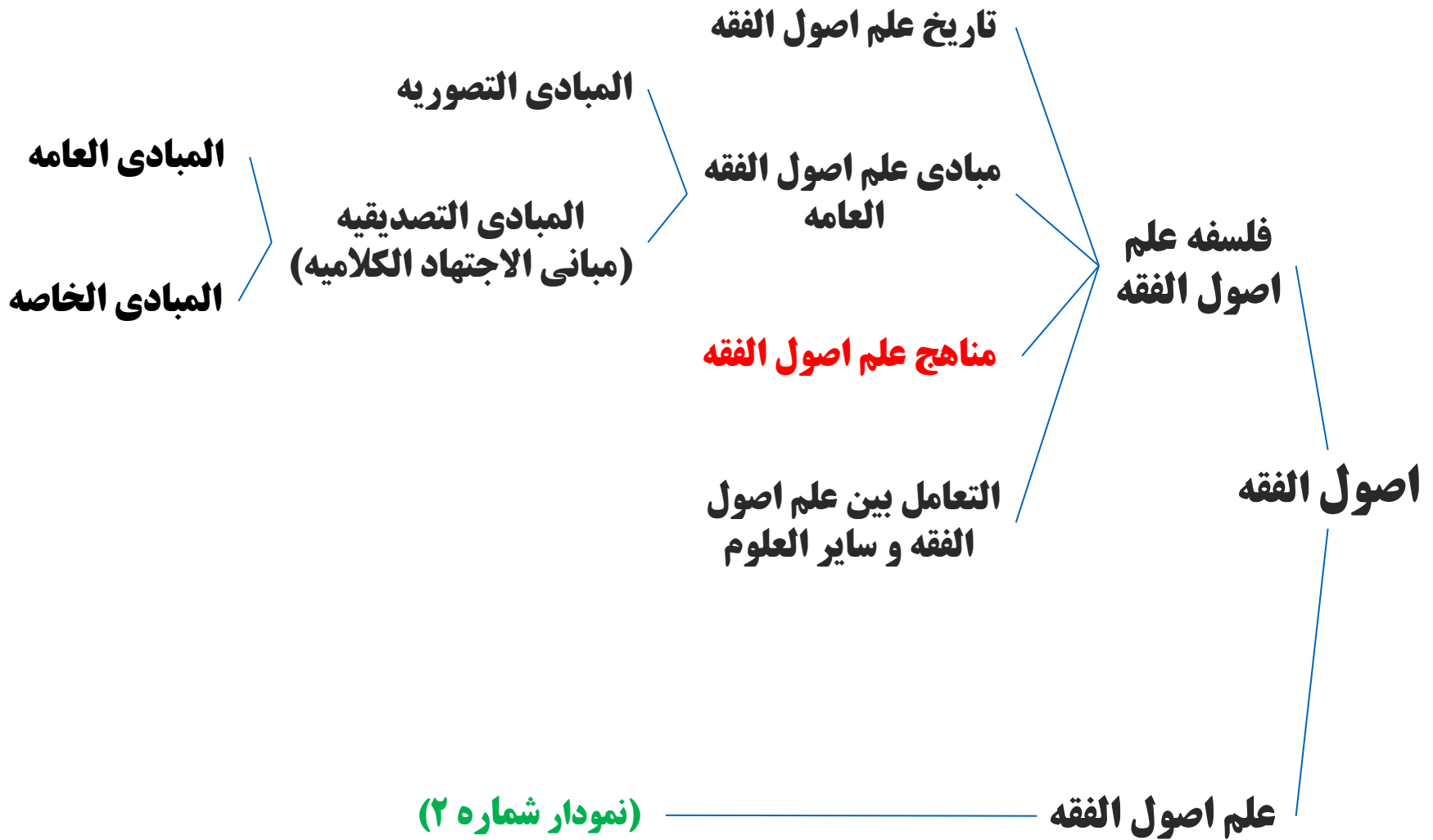
١٥-٦-٩٣ اجماع

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

الإعتصام بالله

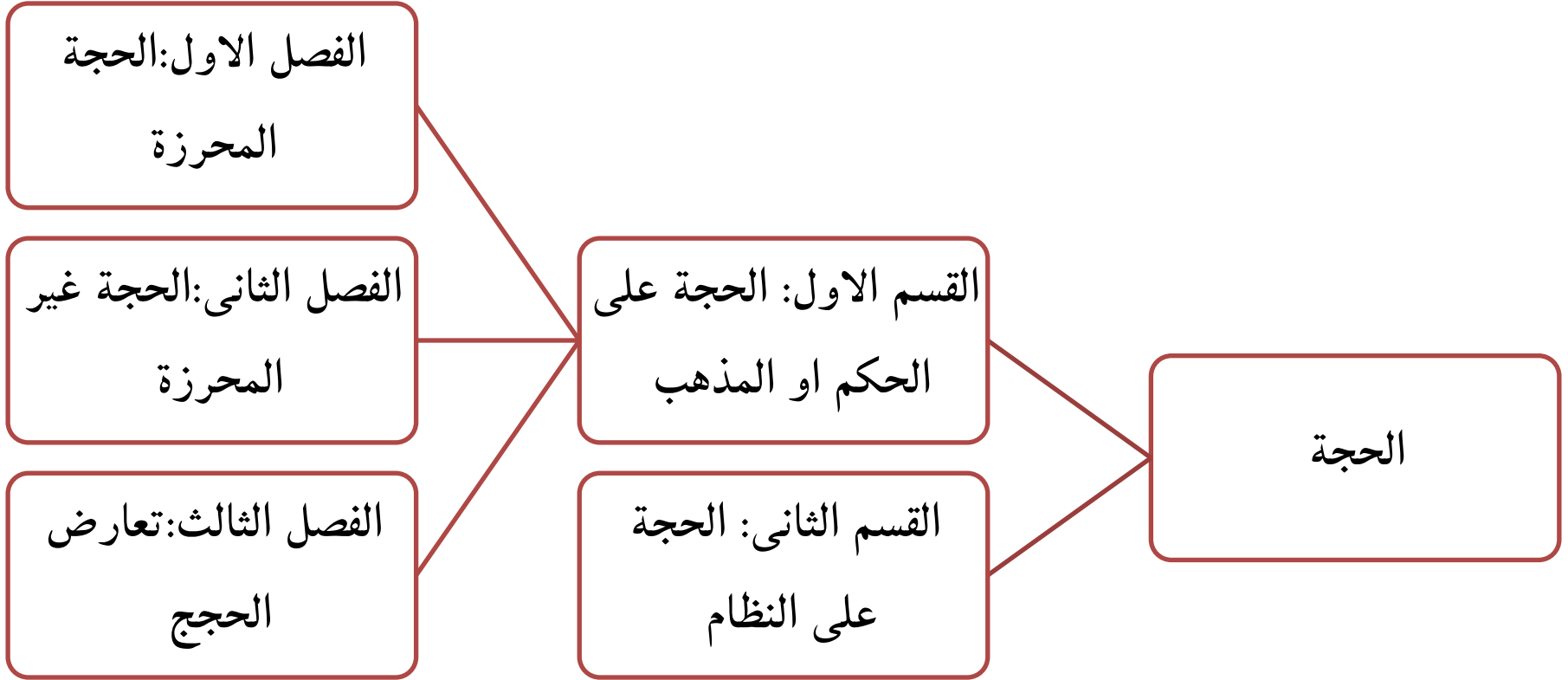
• ٥ : وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ بِمَخْلُوقٍ دُونِي - إِلَّا قَطَعْتُ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ دُونِهِ - فَإِنْ سَأَلَنِي لَمْ أُعْطِهِ وَإِنْ دَعَانِي لَمْ أُجِبْهُ - وَ مَا مِنْ مَخْلُوقٍ يَعْتَصِمُ بِي دُونَ خَلْقِي - إِلَّا ضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِرِزْقِهِ - فَإِنْ سَأَلَنِي أُعْطَيْتُهُ وَإِنْ دَعَانِي أُجِبْتُهُ - وَإِنْ اسْتَغْفَرَنِي «٣» غَفَرْتُ لَهُ «٤»

(نمودار شماره ۱)

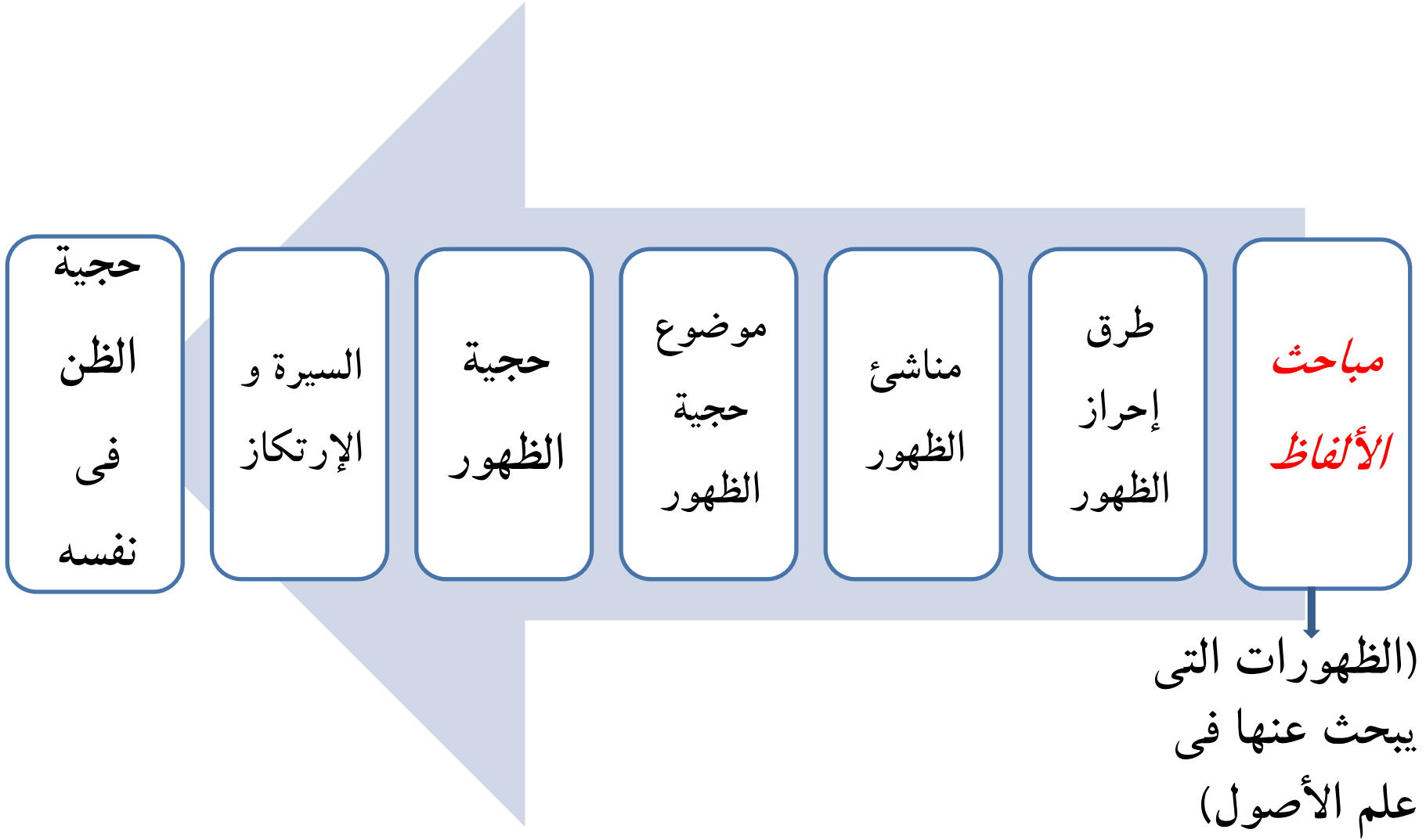


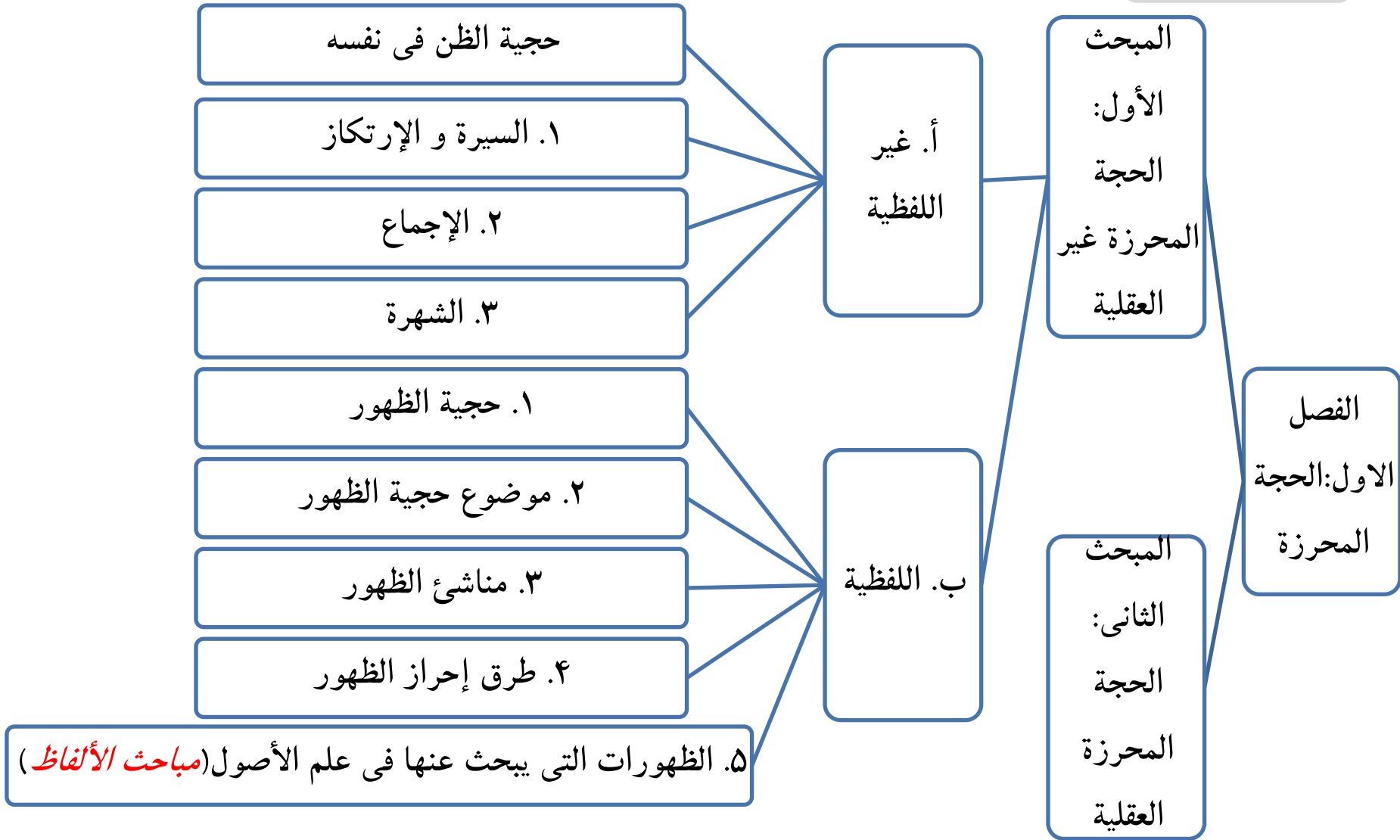
(نمودار شماره ۲)

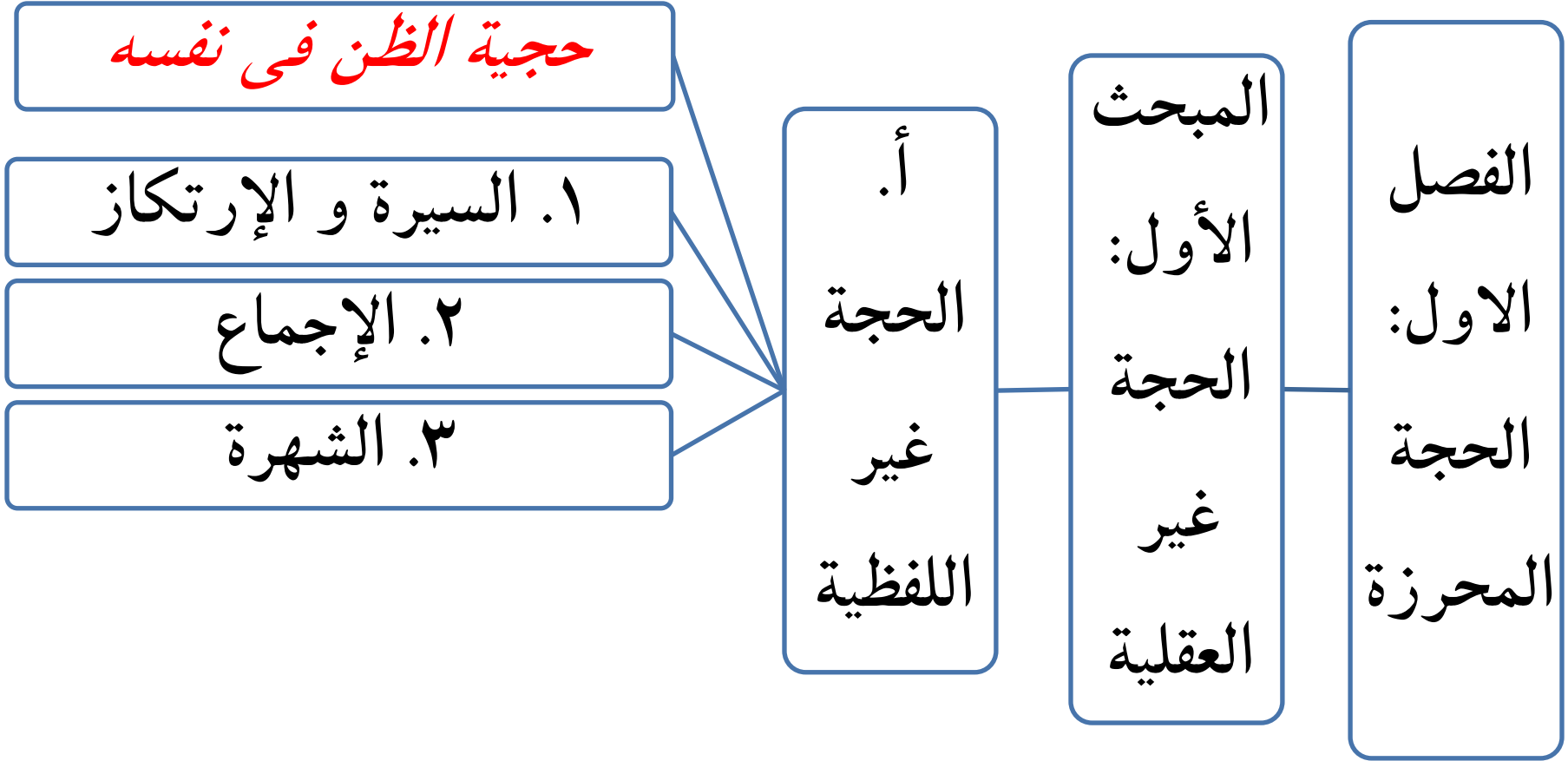
علم أصول الفقه

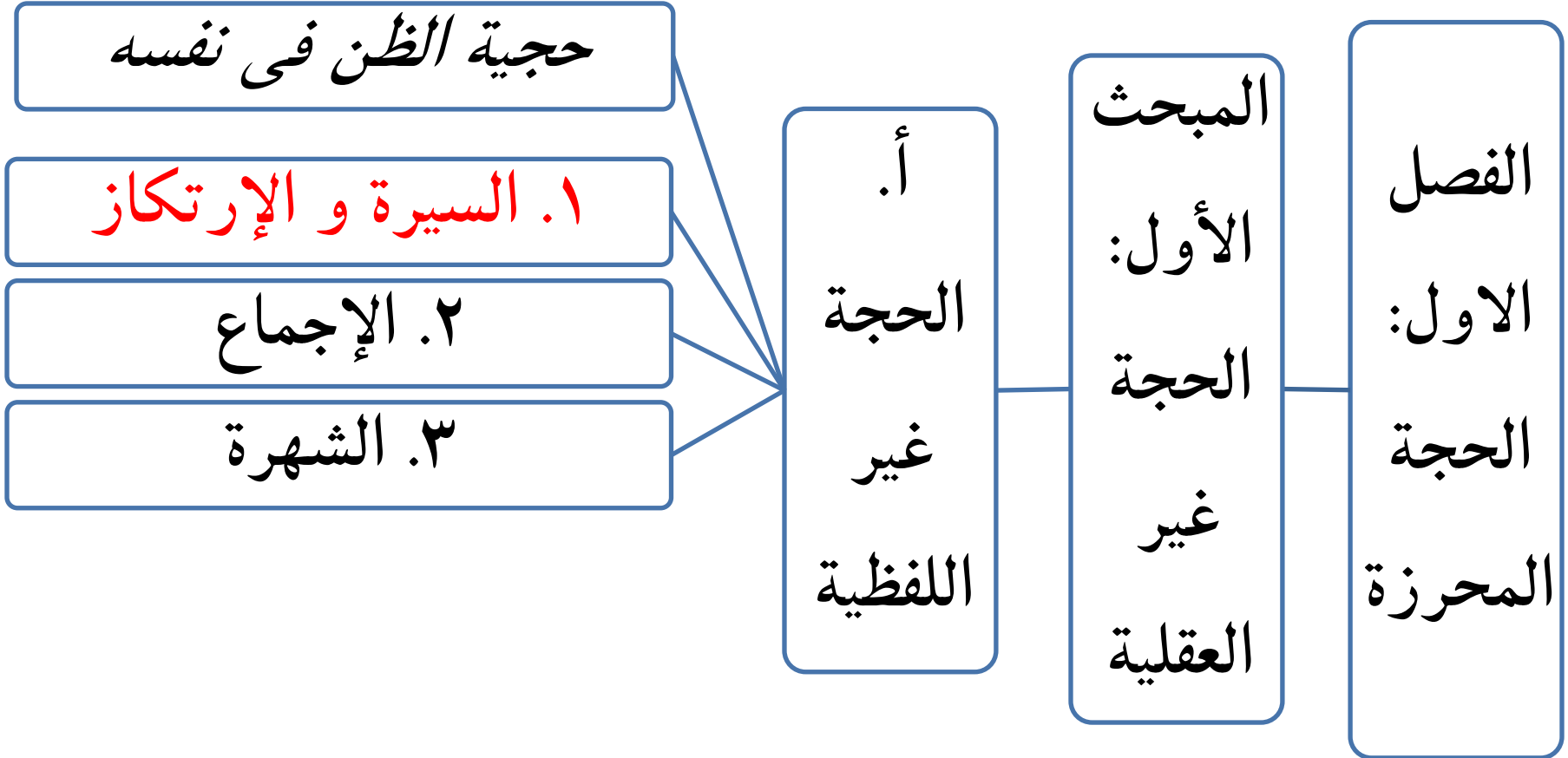


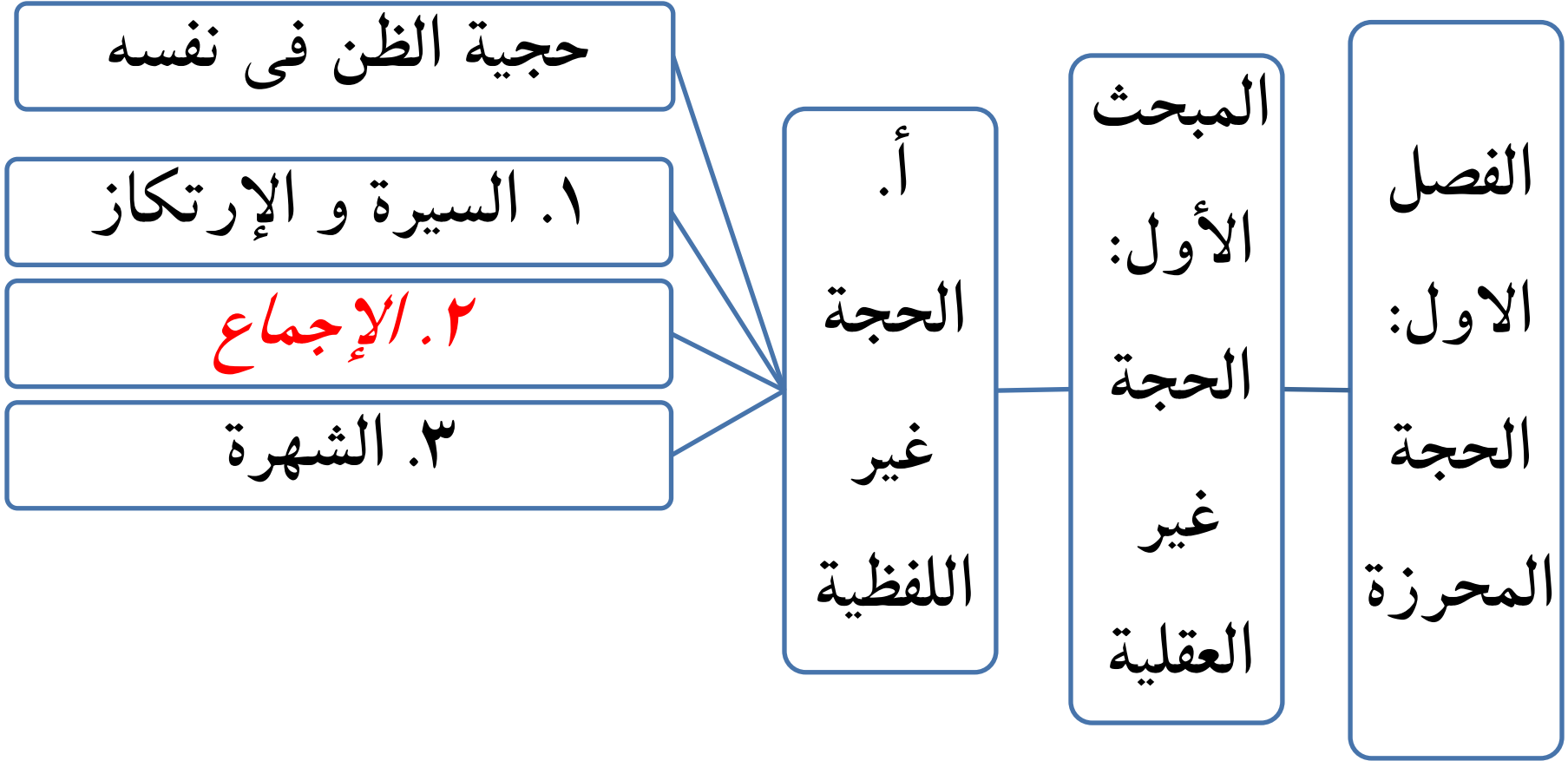
ترتيب اصول متعارف











آیا این اتفاق
نظر فقہا
برای ما
حجت است؟

اتفاق نظر
فقہا در فتوا

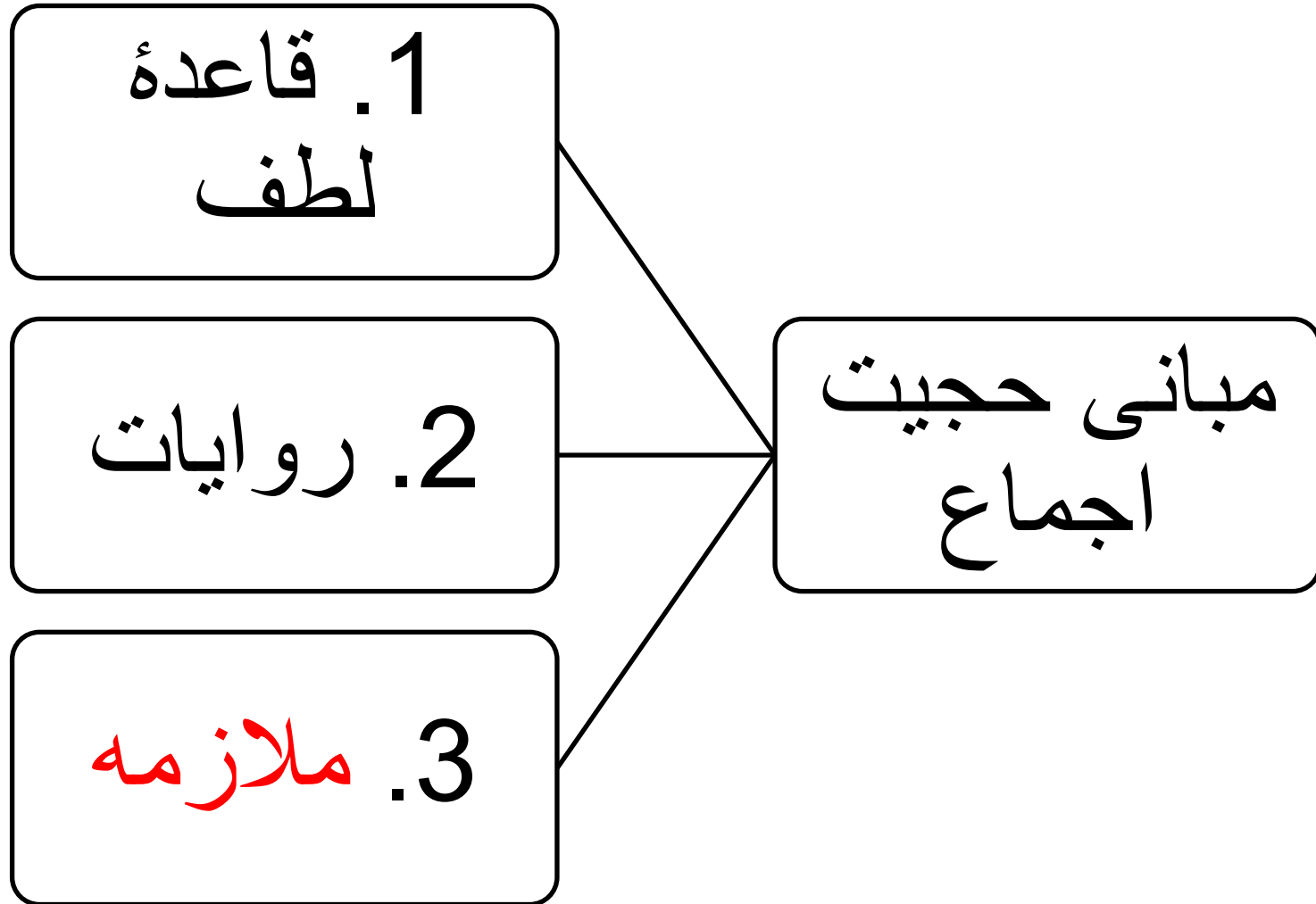
اجماع

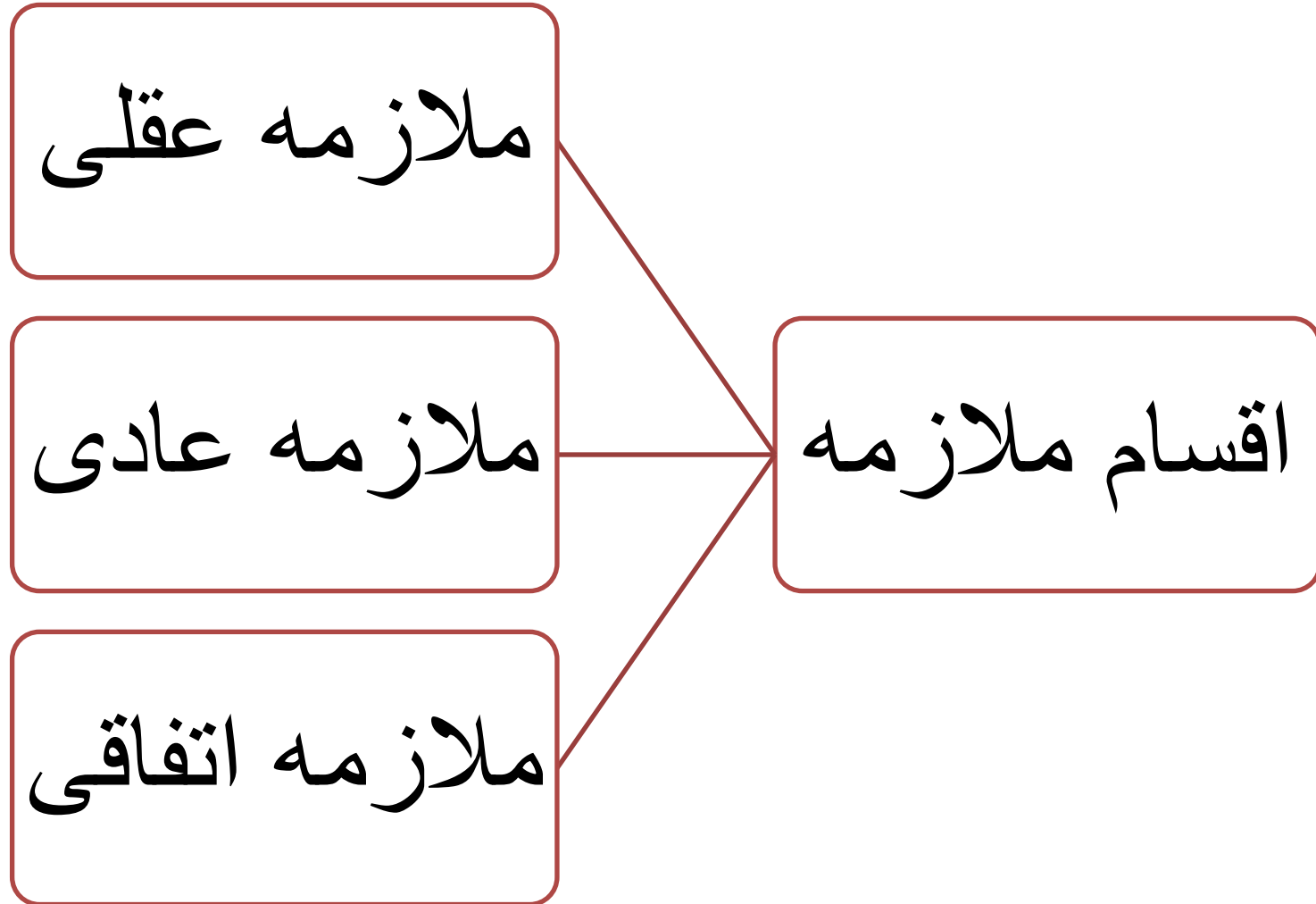
ملاک حجیت اجماع در نظر شیعه

کاشف قطعی از
رای معصوم

اجماع حجیت

مبانی حجیت در اجماع بسیط





بين لازم و ملزوم
تلازم عقلي باشد

ملازمه عقلي

- **تواتر** یعنی تعداد زیادی مخبر مطلبی را برای ما نقل می‌کنند.
- **صدق** خبر متواتر یعنی مطابقتش با واقع
- **بین تواتر و بین صدق** خبر متواتر ملازمه **عقلی** هست.

- شهيد صدر - رضوان الله عليه - بر اين مثال اشكال مي‌کند؛ ولي اصل کبري يعني اينکه ملازمة عقلي وجود دارد، درست است.

انفکاک لازم از
ملزوم در نظر
عقل محال نیست؛
امّا عادتاً و به
مقتضای
طبیعتشان، بینشان
تلازم وجود دارد.

ملازمه عادی

پیری ظاهری
(لازم)

طولانی شدن عمر
(ملزوم)



اقسام ملازمه

- شهید صدر - رضوان الله عليه - به رابطه طولانی شدن عمر و پیری ظاهری مثال می زنند و می گوید عقلاً محال نیست که کسی ۱۰۰ ساله باشد؛ لیکن ظاهر یک جوان ۲۰ ساله را داشته باشد؛ یعنی عوارض و نشانه های پیری مثل سفید شدن محاسن، ضعیف شدن توانایی های جسمی در او ظهور پیدا نکرده باشد؛ ولی عادتاً هر کسی سنش بالا می رود، به تناسب بالا رفتن سن نشانه های پیری در وی ظاهر می شود.

انفکاک لازم و
ملزوم استحاله
عقلی و عادی
ندارد، بلکه به
صورت اتفافی در
یک جا جمع
شده اند.

ملازمه اتفافی

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- ملازمه بین اجماع و وجود یک حجت که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، اتفاقی است.

- تعبیر حدس که در اجماع حدسی می گویند، ناظر به همین نوع ملازمه است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- در مقابل گفته‌اند ملازمه بین **تواتر** و **صدق، عقلی** است؛

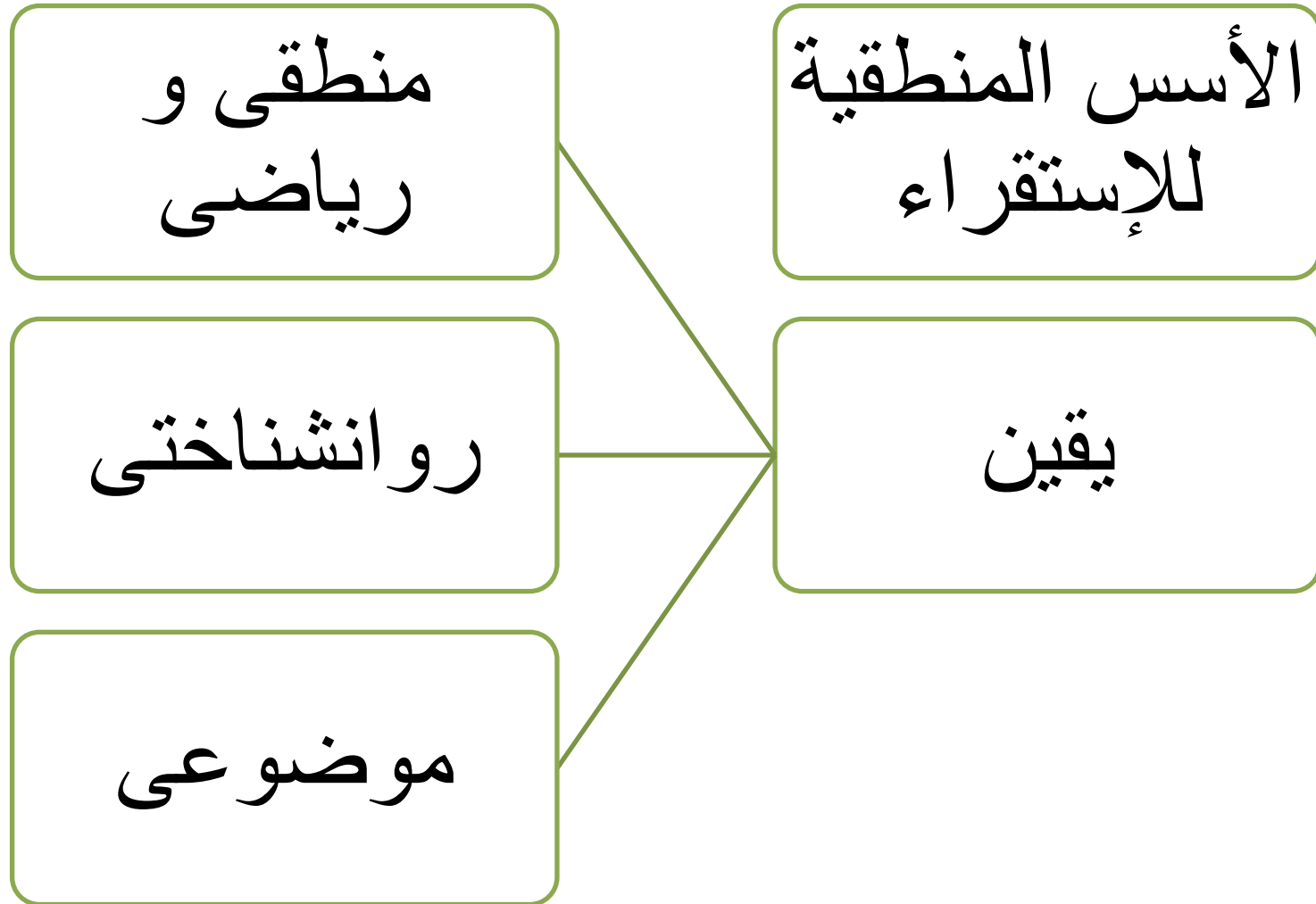
عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- بین **تواتر** و صدق ملازمه عقلی وجود ندارد
- معیاری که باعث حجیت **تواتر** می شود و **صدق** مطلب متواتر را از طریق آن کشف می کنیم، همان **حساب احتمالات** است که نوعی ملازمه **عادی** را به دنبال دارد.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- اجماع هم همین طور است
- ملازمه بین اجماع و وجود یک حجت که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، عادی و بر اساس حساب احتمالات است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع



عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

1. میزان حدسی یا حسی بودن

2. مصب اجماع و تواتر

3. تأثیرپذیری ناقلین یا مجمعین از یکدیگر

4. تعداد عوامل خطا

تفاوت اجماع و تواتر
در بحث حجیت

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

الف. ساده یا پیچیده بودن مسأله

ب. فاصله زمانی فقیه با روزگار معصومین - علیهم السلام -

ج. میزان تخصص مجتهد

عوامل افزایش یا کاهش دخالت حس در فتوا

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- عوامل افزایش یا کاهش ارزش احتمالی فتوا

$$\text{ارزش احتمال مطابقت فتوا با واقع} = \frac{\text{میزان تخصص فقیه}}{\text{میزان احتیاج مسأله به قواعد اصولی و اجتهادی} \times \text{قرنی که فقیه در آن زیسته است}}$$

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- فرض کنید میزان تخصص فقیهی **بیست** باشد و همچنین در قرن **چهارم** و نزدیک به زمان معصوم - علیه السلام - زندگی می کرده است و مسأله‌ای که در آن فتوا داده است، فقط به **دو** قاعده اصولی احتیاج دارد. ارزش احتمالی فتوای این فقیه می شود:

$$2/5 = \frac{20}{4 \times 2}$$

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- می‌توانید همین فقیه را با فقیه دیگری مقایسه کنید که میزان تخصصش از آن فقیه قبلی پایین‌تر و مثلاً ده باشد و در قرن پنجم می‌زیسته است و مسأله به چهار قاعده نیاز دارد. ارزش احتمالی فتوای چنین فقیهی می‌شود:

$$0/5 = \frac{10}{5 \times 4}$$

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- ۲. مصوب اجماع و تواتر
- فرق دیگر بین اجماع و تواتر این است که مصوب اجماع ممکن است متعدد باشد در حالی که مصوب تواتر معمولاً یک چیز است؛ برای مثال وقتی عده‌ای از واقعه غدیر خبر می‌دهند، در واقع تمام خبر دهندگان، ناظر به یک واقعه خاص هستند که در حجة الوداع و در غدیر خم و در روز هجدهم ذی الحجه اتفاق افتاد. این یعنی مصوب تواتر یک چیز است.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- بخلاف بحث تواتر در بحث اجماع وقتی مجمعين در يك مسأله فتوا می دهند، با اینکه مسأله واحدی در میان است ممکن است، برخی به استناد **آیه**، عده‌ای به سبب **روایت** و گروه سوم به بر اساس یک **قاعده عقلی** و دسته‌ای به استناد یک **اصل عملی** این فتوا را داده باشد و ما هم نمی دانیم واقعاً مدرکشان چه بوده است و اساساً اگر مدارکشان موجود باشد، به سراغ همان مدارک می رفتیم و همان‌ها را ارزیابی می کردیم.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- بنابراین چون ممکن است مصب اجماع متفاوت باشد، به سرعتی که در تواتر مطرح بود، در اینجا نمی‌توان به اطمینان یا یقین رسید.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- شهيد صدر - رضوان الله عليه - برای تقريب به ذهن مثال می زند که اگر یک نفر از حادثه‌ای در مورد زید خبر دهد؛ مثلاً بگوید: زید افتاد و پایش شکست و نفر بعدی هم بگوید: زید افتاد و پایش شکست. سومی، چهارمی و پنجمی و ... همین طور بگویند.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- در اینجا چون همه خبر دهندگان ناظر به یک شخص خاصی به نام زید و یک حادثه خاص یعنی شکسته شدن پای او هستند، انسان خیلی زودتر و راحت تر به یقین یا اطمینان می رسد تا اینکه همین مخبرین این گونه خبر دهند: پای یکی از همسایه های زید شکست؛ چون ممکن است نفر دومی که می گوید پای یکی از همسایه های زید شکست، مقصودش همسایه ای غیر از همسایه اول باشد و البته ممکن است همان همسایه مورد نظر باشد. حال اگر نفر سومی بگوید: یکی از همسایه های زید پایش شکست، همچنان این احتمال تفاوت همسایه ها وجود دارد.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- در اینجا شیب معادله تجميع احتمالات کمتر از مثال اول است؛ به عبارت دیگر رشد احتمال کمتر است. در حقیقت همین نکته باعث می شود که مجموع ارزش احتمالی خبر در مثال دوم از مجموع ارزش احتمالی خبر در مثال اول کمتر شود.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

• ۳. تأثیرپذیری ناقلین یا مجمعین از یکدیگر

- در تواتر معمولاً خبردهندگان تحت تأثیر یکدیگر نیستند؛ مثلاً فرض کنید آن‌هایی که واقعه غدیر را خبر دادند، همه در آنجا حاضر بودند. بنابراین هر فرد خودش می‌شنید و می‌دید که رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - بر آن منبری که از جهاز شتر ساخته شده بود، دست علی بن ابیطالب - علیه السلام - را بلند کرد و فرمود: «من كنت مولاه فعلى مولاه». معمولاً جدا جدا و بدون اینکه تحت تأثیر یکدیگر قرار بگیرند از این حادثه خبر می‌دهند؛

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- اما در بحث اجماع احتمال اینکه فقها متأثر از یکدیگر فتوا داده باشند، وجود دارد؛ به خصوص اگر این فقها را در طول زمانها متمادی در نظر بگیرید یا نسبت بین ایشان، استاد و شاگردی باشد؛ چون چه بسا فقیه بعدی احتمال می‌داد که شاید قبلی‌ها دلیل معتبر داشته‌اند یا از این ادله‌ای که او نمی‌تواند به راحتی از آنها به نتیجه برسد، معنایی را می‌فهمیدند که باعث شده‌است این چنین فتوا دهند یا چه بسا استاد توانایی قوی‌ای در استدلال داشته‌است و شاگرد نمی‌توانسته آن استدلال استاد را نقض کند و در نتیجه همان فتوای استاد را انتخاب می‌کند.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- پس این احتمال وجود دارد که مجمعين تحت تأثير يکديگر قرار بگيرند؛ ولی این احتمال در تواتر کمتر است؛ البته نمی‌گوییم در تواتر این احتمال نیست؛ چون ممکن است مثلاً از آن جمعی که در غدیر حاضر بودند، یکی نفهمیده باشد آن کسی را که حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - با خودش به بالای جهاز شتر برد، کیست و از دیگری پرسیده باشد و او بگوید علی بن ابیطالب - علیهم السلام - است یا ممکن است وقتی حضرت فرمود: «من كنت مولاه فعلى مولاه»، یکی نشنید یا حواسش نبود یا گوشش سنگین بود و از دیگری پرسیده باشد و او این جمله را برایش گفته باشد.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- ۴. تعداد عوامل خطأ
- در تواتر چون منشأ حسی مطرح است، معمولاً یک عامل مشترک منشأ خطأ نمی‌شود؛ به عبارت دیگر ممکن است کسانی که اخبار حسی می‌دهند خطأ کنند؛ ولی عامل خطاهایشان یکی نیست.
- شاید برخی به دلیل ضعف سامعه مطلب را درست نشنیده باشند؛ اما تمام سایرین که ضعف سامعه ندارند!
- ممکن است یکی به دلیل ضعف بینایی حادثه را درست ندیده باشد؛ لکن تمام افراد دیگر که مشکل بینایی ندارند.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- در اجماع ممکن است عامل خطا در گروهی که فتوا می‌دهند، امر مشترکی باشد؛ مثلاً می‌بینیم در یک دوره‌ای همه فقها فتوا داده‌اند که اگر کسی وارد مسجد شود و بیند مسجد نجس است و وقت نماز هم وسیع باشد و وی مشغول نماز شود، نمازش باطل است. با دقت درمی‌یابیم که این فتوا در زمانی صادر شده است که نظریه ترتب در دانش اصول مطرح نبود و چون آنها از بحث ترتب خبر نداشتند، همه این اشتباه را کردند.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- هچنين در دوره‌ای همه فقها بر این باور بوده‌اند که با افتادن شیء نجس در چاه، آب چاه نجس می‌شود و بعد در دوره‌ای دیگر همه فقها می‌گویند آب چاه با افتادن شیء نجس در آن، مادامی که رنگ، بو و طعم آب تغییر نکرده باشد، نجس نمی‌شود. علت این اختلاف نظر آن است که فقهای دوره اول ادلة منزوحات بئر را می‌دیدند؛ ولی از روایت صحیحة ابن بزيع بی‌خبر بودند که می‌گوید: «ماء البئر واسع لا یفسده شیء إلا أن یتغیر ریحہ أو طعمه». به همین جهت در نسل بعد می‌بینیم یکدفعه تمام فتاوا تغییر می‌کند.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- همچنین در دوره‌ای همه می‌گویند عقد معاطاتی، احکام عقد با صیغه را ندارد در حالی که الآن همه می‌گویند عقد معاطاتی، احکام عقد با صیغه را دارد. این بدان جهت است که تحلیل فقها از عقد در گذشته به دقت تحلیل امروزی‌ها نبود.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- بنابراین احتمال دارد که همه اجماع کنندگان به یک دلیل خاصی در اشتباه بیفتند. با توجه به این نکته احتمال دستیابی به یقین در اجماع کم می شود. به همین دلیل گفته اند حصول یقین از اجماع امر اتفاقی است؛ چون واقعاً حصول یقین از اجماع با این همه عوامل مضعف یقین امر مشکلی است. شهید صدر - رضوان الله علیه - می فرمایند اینکه گفته اند اتفاقی است؛ یعنی نادر است.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- همین که می بینیم فقها در جایی به اجماع تمسک می کنند و جایی دیگر تمسک نمی کنند. این دوگانگی در رفتار ایشان بدان جهت است که عوامل تضعیف کننده خیلی زیاد است. در نتیجه به سادگی، در همة موارد، اطمینان یا یقین حاصل نمی شود. در واقع بعضی جاها که این عوامل تضعیف کننده کم می شود و در نتیجه رشد احتمال سرعت بیشتری پیدا می کند، فقها ناخواسته به اجماع تمسک می کنند.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- همان.
- ممکن است بگوئید وقتی یک مجتهدی فتوا می‌دهد، علی‌القاعده یک روایت را دیده‌است. پس اخبارش از روی حس است. در پاسخ می‌گوییم او ابتدا این خبر را بر اساس معیارها و ضوابط اجتهادی خودش، خبر معتبر به حساب می‌آورد و ممکن است آن معیارها را ما قبول نداشته باشیم. سپس دلالت روایت را هم بر اساس معیارهای اجتهادی خودش به دست می‌آورد و نتیجه این اجتهاد را در قالب یک فتوا بیان می‌کند که فلان عمل واجب است یا فلان عمل حرام است. بنابراین اخبار مجتهد غالباً حسی نیست و به همان اندازه که اجتهاد می‌کند و از تخصصش استفاده می‌کند، حدسی است؛ البته اگر مجتهدی این‌طور می‌گفت که من در کتابی دیده‌ام که امام صادق - علیهم السلام - چنین فرموده است، این اخبارش از روی حس بود؛ ولی غالباً مجتهد چنین نمی‌گوید و در رساله‌اش نمی‌نویسد مثلاً فلان روایت را فلان راوی در فلان جا نقل کرده است، بلکه می‌گوید حکم خدا - تبارک و تعالی - این است.

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

- گروهی در بحث تجزی در اجتهاد، اشکال می‌کنند که تجزی در اجتهاد معنا ندارد و شخص یا مجتهد است یا نیست. چیز وسط نداریم که یک کسی در بعضی از مسائل مجتهد باشد و در بعضی دیگر، مجتهد نباشد. پاسخ این گروه در همین نکته نهفته است که مسائل با هم فرق می‌کنند در برخی مسائل میزان عناصر اجتهاد کم است و کسی ممکن است به مرحله‌ای از اجتهاد رسیده باشد که بتواند حکم این نوع مسائل را استنباط کند و در برخی مسائل عناصر اجتهاد خیلی زیاد است و همین شخص توانایی استنباط در آن مسائل را ندارد.
- برای توضیح ر.ک: هادوی تهرانی، مهدی، تاریخ علم اصول از نگاه شهید صدر، به تدوین سید محمد کاظم روحانی، ص ۶۲.
- الصدر، السید محمد باقر، المعالم الجديدة للأصول (طبع جدید)، ج ۱، ص ۶۹ - ۷۰.
- مقصود کتاب «مختصر التذكرة بأصول الفقه» است.
- بعضی از دوستان عرب زبان می‌گویند شما فارس‌ها نمی‌توانید روایات را دقیق بفهمید؛ چون زبان شما فارسی است و با زبان عربی به اندازه زبان مادری آشنا نیستید؛ ولی تجربه من نشان می‌دهد که فقهای عرب زبان بیشتر اشتباه می‌کنند تا فقهای فارس زبان؛ زیرا فقهای عرب زبان با زبان عربی معاصر سراغ روایات می‌روند در حالی که زبان عربی روایات با زبان عربی معاصر خیلی فاصله دارد. به همین جهت آن‌ها خیلی وقت‌ها اشتباه می‌کنند؛ چون با همان ارتکازات عربی امروز خودشان، می‌خواهند روایات را تحلیل کنند در حالی که آن‌هایی که عرب زبان نیستند مثل فقهای فارس، مجبورند با قواعد و با مراجعه به منابع قدیمی تحلیل کنند و به همین دلیل معمولاً تحلیل آن‌ها به مقاصد روایات نزدیک‌تر است.
- البته شاید خود آن‌ها متوجه این نکته نباشند.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۱۰.
- همان، ص ۳۱۱.
- الكلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص ۲۹۵.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۴ ص ۳۱۱.
- الحر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱، ص ۱۷۲.

تطبيقات اجماع

- تطبيقات اجماع
- شهيد صدر - رضوان الله عليه - دو مورد از تطبيقات اجماع را ذکر می‌کنند که اسم یکی را تطبيق ضعيف و اسم دیگری را تطبيق قوی می‌گذارد.

تطبيق ضعيف
اجماع

تطبيق قوى
اجماع

تطبيقات
اجماع